

Survey the Future, Relations Iran and Syria and Its Impact on Geopolitics of the Regional

ABSTRACT

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Alireza Norouzifard*,Phd
Mohammad Reza
Hafeznia,Phd
Ribaz Ghorbani Nejad,Phd

Alireza Norouzifard,
Ph.D. Student in Political
Geography, Science and
Research Branch, Islamic
Azad University, Tehran
Mohammad Reza
Hafeznia, Full Professor of
Political Geography,
Tarbiat Modares
University, Tehran
Ribaz Ghorbaninejad,
Assistant Professor of
Political Geography,
Science and Research
Branch, Islamic Azad
University, Tehran

Correspondence*

Science and Research
Branch, Islamic Azad
University, Tehran
Email:ar.nf755@gmail.co
m

Article History

Received:08 September 2020

Accepted:08 November 2020

Investigating and studying the political relations of countries in the international arena, especially the countries of a particular region, is of particular importance. Such studies investigate issues related to the interactions between states and factors affecting political relations between them from different perspectives. Geopolitical studies are among such studies which provide national interests and national security for countries to identify political and geographical factors and variables affecting the political relations of states and accordingly, to investigate the regional and global impacts of these relations. By looking at the political relations between Iran and Syria, as two important non-bordering Middle East countries with special geopolitical and geostrategic importance in the axis of Islamic Resistance, which plays an essential and decisive role in regional interactions and geopolitics which is significantly impacted by these relations, we can observe fluctuations due to the influence of geopolitical, political and economic factors in the interactions between them. The current study tries to examine the impact of major geopolitical factors between the two countries and finally answer the following question: What predictable prospect exists for Iran-Syria relations in the future"? In this regard, using a descriptive-analytical research method, we will test the hypothesis that "the future of Iran-Syria relations depends on the future of Syria and its future positioning." This research investigates other aspects of the future effect of the two countries' relations on the region and, like any other research studies, there were limitations and obstacles.

Keywords: Iran, Syria, The Middle East, Geopolitics, Interdependence.

بررسی آینده روابط ایران و سوریه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای

علی‌رضا نوروزی فرد PhD *

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

محمد رضا حافظ‌نیا PhD

استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

ریباز قربانی نژاد PhD

استادیار جغرافیای سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

چکیده

بررسی و مطالعه روابط سیاسی کشورها در عرصه بین‌المللی به ویژه کشورهای یک منطقه از اهمیت خاصی برخوردار است. این قبیل مطالعات از منظرهای گوناگونی به جستجو در مسائل مربوط به تعاملات دولت‌ها با یکدیگر و عوامل تأثیرگذار بر روابط سیاسی میان آن‌ها می‌پردازد. از جمله این مطالعات، پژوهش‌هایی در عرصه ژئوپلیتیکی می‌باشد که در زمینه شناسایی عوامل و متغیرهای سیاسی و جغرافیایی مؤثر در روابط سیاسی دولت‌ها و به طبع آن بررسی تأثیرات منطقه‌ای و جهانی این روابط می‌تواند تأمین کننده منافع ملی و امنیت ملی کشورها باشد. با نگاهی به روابط سیاسی ایران و سوریه، به عنوان دو کشور مهم خاورمیانه‌ای غیر همسایه با اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص و در محور مقاومت اسلامی که نقش اساسی و تعیین کننده در معادلات منطقه‌ای ایفا می‌نماید و ژئوپلیتیک منطقه تأثیر بسزایی از این روابط می‌پذیرد؛ شاهد نوساناتی بسیار ناشی از تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی، سیاسی و اقتصادی در تعاملات بین آن‌ها هستیم. این پژوهش در تلاش است تا تأثیر عوامل عمده ژئوپلیتیکی میان دو کشور را بررسی کند و در نهایت به این پرسش پاسخ گوید که «چه چشم‌انداز قابل پیش‌بینی برای روابط ایران و سوریه در آینده وجود دارد؟» در این راستا با استفاده از روش پژوهشی توصیفی-تحلیلی این فرضیه را به آزمون خواهیم گذارد که «در آینده روابط ایران و سوریه در گروه آینده دولت سوریه و آینده موضع گیری‌های آن است.» این تحقیق جنبه‌های دیگری را از تأثیر آینده روابط دو کشور بر منطقه مورد بررسی قرار می‌دهد و همانند هر پژوهشی محدودیت‌ها و موانعی وجود داشت.

کلمات کلیدی: ایران، سوریه، خاورمیانه، ژئوپلیتیک، وابستگی متقابل.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۲۵

نویسنده مسئول: ar.nf755@gmail.com

مقدمه

همواره یکی از مهم‌ترین موضوعات قابل بررسی در مسائل ژئوپلیتیک، پژوهش درباره روابط سیاسی بین کشورها و عوامل تأثیرگذار بر این روابط می‌باشد. به طور حتم این امر در مورد روابط منطقه‌ای کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که در این بررسی‌ها سعی می‌گردد عوامل بحران‌زا و نیز نقاط اشتراک موجود بین دو کشور شناسایی و در جهت ارائه راه کار برای عوامل بحران‌زا و نیز تقویت عوامل مشترک بین دو کشور اقداماتی را انجام داد. در جهان امروز باتوجه به روابط پیچیده‌ای که میان دولت‌ها و یا حکومت‌ها وجود دارد و از طرفی فضای حاکم بر بازارهای بین‌المللی، لازمه حضور موفق و قدرتمند هر کشوری در این عرصه (چه منطقه‌ای و چه بین‌المللی)، مستلزم شناخت دقیق و همه‌جانبه از محیط پیرامونی خود می‌باشد و این بررسی‌ها هر چه بیشتر به کشورها کمک می‌نماید تا در فضای بین‌المللی پیرامون خود فعالیت داشته باشد و دچار انزوا نگردد.

خاورمیانه در سیاست‌های جهانی دو قرن گذشته جایگاهی بسیار مهم داشته است. این منطقه یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مناطق استراتژیکی، ژئوپلیتیکی و ژئواکونومی جهان بوده، به طوری که قرار گرفتن این منطقه در بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا به عنوان پل ارتباطی، باعث شده تا در عرصه بین‌المللی از اهمیت و اعتبار خاصی برخوردار باشد و در طول تاریخ همواره باعث توجه قدرت‌های بین‌المللی به این منطقه گردیده است. [1]

این منطقه در سال‌های پایانی قرن بیستم و سال‌های آغازین قرن بیست و یکم درگیر منازعات بسیاری بوده است. شاید هیچ منطقه دیگری در جهان به اندازه خاورمیانه با منازعه و بحران روبرو نبوده است. منطقه خاورمیانه به عنوان پرکشمکش‌ترین ناحیه جهان کنونی به لحاظ اهمیت استراتژیکی و اقتصادی خود یکی از عمده‌ترین مراکز نفوذ بازیگران مختلف بین‌المللی بوده است و هرگونه بحران و بی‌ثباتی در آن می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر ساختار نظام جهانی بگذارد [24]

کشورهای ایران و سوریه که دارای اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاصی بوده و از مناطق حساس خاورمیانه می‌باشند؛ به دلیل هم‌گرایی‌هایی چون مذهب، نژاد، زبان و از نظر سیاسی با وجود رژیم اشغالگر قدس، یعنی داشتن یک دشمن مشترک در منطقه و مخالفت آن‌ها با این رژیم غاصب و همچنین سیاست‌ها و منافع آمریکا در این منطقه، حساسیت و اهمیت آن‌ها را دو چندان نموده است. [16]

تغییرات و تحولات خاورمیانه که موجب شکل‌گیری خاورمیانه جدید شده، تا حد زیادی سیاست خارجی ایران را نسبت به این منطقه دگرگون کرده است. حضور فعال ایران در مسائل خاورمیانه، مثل حضور تأثیرگذار و فعال در بحران سوریه نشان می‌دهد که

سال ۱۸۹۹ میلادی) کلمه ژئوپلیتیک را ابداع نمود و به کار برد. [13]

بنابراین ژئوپلیتیک عبارت است از «مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست که در قالب یک مدل سه وجهی قابل تبیین است». در این مدل سه حوزه فضا، محیط و انسان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. در حوزه فضا تعامل‌های فضایی و سیستم‌ها و ساختارهای فضایی مدنظر است و در حوزه محیط ویژگی‌ها و عوامل محیط طبیعی و مصنوعی و در حوزه انسان‌ها خصلت‌ها و کارکردهای گروهی مد نظر می‌باشد. [28]

۲- روابط ژئوپلیتیک

روابط ژئوپلیتیک، روابطی هستند که بین کشورها و دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در شکل‌گیری هر گونه رابطه بین بازیگران، عنصر سیاست، در قالب بازیگر سیاسی، یا اراده‌ای که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و نیز اقدامات و کنش‌هایی که توسط بازیگر انجام می‌شود، پدیدار می‌گردد.

عنصر قدرت در شکل‌دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی پیدا می‌کند. عنصر جغرافیا نیز نقش بستر ساز را ایفا کرده و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی رابطه و نیز تأثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود. روابط ژئوپلیتیک بین بازیگران از الگوهای سلطه و استیلا، تحت سلطه، تعامل و تعادل، نفوذ و رقابت تشکیل می‌شود. این الگوها اساساً از پویایی برخوردار بوده و دوره ثبات یا تحول آن‌ها تابعی از نحوه ترکیب و تحول عناصر سه گانه جغرافیا، قدرت و سیاست می‌باشد. بنابراین می‌توان شرایطی را انتظار داشت که یک رابطه سلطه‌گری و یک سویه از بالا به پایین به تدریج تحول پیدا کرده و به صورت تعادلی درآید و یا این که اساساً معکوس شود و زیرسلطه بر ارباب قبلی خود مسلط شود.

به طور کلی روابط ژئوپلیتیک به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند، که عبارتند از:

- ۱- رابطه تعاملی؛
- ۲- رابطه سلطه؛
- ۳- رابطه نفوذ؛
- ۴- رابطه رقابتی.

۳- روابط سیاسی

بیش از یکصد و نود کشور مستقل امروزه در جهان از طریق مبادله سفیر و یا نمایندگان سیاسی (دیپلمات) بین یکدیگر، باهم رابطه دارند و باتوجه به اهمیت روابط بین کشورها، این رابطه در سطوح مختلف برقرار می‌شود.

ایران در خاورمیانه به دنبال منافع پایدار سیاسی، ژئوپلیتیکی، امنیتی و اقتصادی برای خود می‌باشد که در نهایت تأمین این منافع تلاش برای احیای «قدرت منطقه‌ای» ایران خواهد بود. بنابراین مجموعه‌ای از عوامل فوق ضرورت این گونه پژوهش‌های ژئوپلیتیکی را توجیه می‌نماید.

روش تحقیق

با نگاهی به روابط سیاسی ایران و سوریه، به عنوان دو کشور مهم خاورمیانه‌ای غیر همسایه با اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی خاص و در «محور مقاومت اسلامی» که نقش اساسی و تعیین کننده در معادلات منطقه‌ای ایفا می‌نماید و ژئوپلیتیک منطقه تأثیر بسزایی از این روابط می‌پذیرد؛ شاهد نوساناتی بسیار ناشی از تأثیرگذاری عوامل ژئوپلیتیکی، سیاسی و اقتصادی در تعاملات بین دو کشور هستیم.

این پژوهش در تلاش است تا تأثیرات عوامل عمده ژئوپلیتیکی میان دو کشور را بررسی کند و در نهایت به این پرسش پاسخ گوید که «چه چشم‌انداز قابل پیش بینی برای روابط ایران و سوریه در آینده وجود دارد؟»

فرضیه مقاله حاضر این است که «آینده روابط ایران و سوریه در گرو آینده دولت سوریه و آینده موضع‌گیری‌های آن است».

پژوهش پیش رو، به روش توصیفی-تحلیلی بوده و از جهت نوع تحقیق نیز کاربردی است. همچنین گردآوری اطلاعات نیز به شیوه کتابخانه‌ای (منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی) انجام شده است. برای این منظور ابتدا آینده روابط ایران و سوریه مورد بررسی قرار گرفته و سپس تأثیر آن بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای مورد استنباط قرار گرفت و تشریح شد.

چارچوب نظری تحقیق

۱- ژئوپلیتیک

بحث در باب رابطه بین علم جغرافیا و سیاست سابقه دیرینه‌ای دارد، به گونه‌ای که برخی سابقه این موضوع و مباحث مربوط به آن را به «یونان» و متفکران آن مقطع می‌رسانند. [39]

قدمت ژئوپلیتیک، به اندازه قدمت جستجوی انسان برای قلمرو، امنیت و نیز به اندازه قدمت دیپلماسی، استراتژی، حسادت و ترس بوده است. [29] اما واژه ژئوپلیتیک با سده بیستم زاده شد، با پیچ و خم‌های آن درآمیخت و با پرتلاطم‌ترین مقاطع آن هویت یافت و با جنبش‌های ملی نیمه نخست سده همراهی کرد. [27] بنابراین اصطلاح ژئوپلیتیک اگر چه در نوشته‌های دوران تاریخی، از «ارسطو» گرفته تا قرن بیستم، مورد اشاره قرار گرفته است؛ اما به عنوان یک مبحث دانشگاهی، پیشینه‌ای کوتاه دارد. [30] «رودلف کیلن» جغرافیدان سوئدی برای اولین بار (در

تئوری وابستگی متقابل با تکیه بر فرایندهای یاد شده، در پی ایجاد و تبیین جهانی است که در آن از ارزش و اهمیت حاکمیت ملی کاسته شده و هم‌گونی و تفاهم بیشتری بین دولت‌ها به وجود آید. دولت‌ها به جای توسل به زور در حل اختلافات، روش‌های مسالمت‌آمیز را انتخاب می‌کنند. به طور کلی حل بسیاری از مشکلات به مسائل بین‌المللی وابسته است و در سطح ملی، امکان چاره‌سازی آن‌ها وجود ندارد. بنابراین، با تغییر ساختار دولت‌ها و نظام بین‌الملل از نظامی و امنیتی به اقتصادی، روابط و راه‌حل‌ها نیز به نوبه خود تحول یافته، صلح و ثبات، جایگزین جنگ و خشونت خواهد شد. [20]

در این پژوهش با توجه به نظریه وابستگی متقابل می‌توان این گونه اظهار داشت که با عنایت به جایگاه، نقش و موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژی و ژئواکونومیک ایران و سوریه در منطقه خاورمیانه و این که بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، «سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. از طرفی سوریه تنها بازیگر عربی است که در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی میان کشورهای خاورمیانه و آفریقای عربی، نقش مستقلی را ایفا می‌نماید و در عین حال «صاحب دیدگاه خود» است [35] و به دلیل همسایگی با رژیم اشغالگر قدس در بازی‌های سیاسی منطقه از جایگاه بالا و تأثیرگذاری برخوردار است و از طرف دیگر جایگاه هژمونیک ایران در منطقه به همراه نزدیکی دیدگاه رهبران دو کشور در این باره و دیگر معادلات منطقه‌ای و جهانی که بر اهمیت نقش سوریه در میان کشورهای منطقه افزوده است؛ به علاوه هم‌پیمانی مهم و استراتژیک دو کشور (باتوجه به تحکیم، توسعه و رشد عمیق کلیه سطوح مناسبات فی ما بین طی بیش از سه دهه گذشته) به عنوان دو متحد با نفوذ منطقه‌ای که نقش اساسی را در تحکیم محور مقاومت اسلامی در منطقه و دیگر تحولات منطقه‌ای بازی می‌کنند؛ در آینده، منطقه متأثر از تصمیمات راهبردی این دو کشور خواهد بود.

آنچه مسجل است و تا حدود زیادی می‌توان به عنوان نشانه قوی از آن یاد کرد؛ این است که دولت آینده سوریه با هر رویکردی برای بازسازی مجدد روابط خود با دولت ایران زمان قابل قبولی را باید طی کند و از طرفی ایران در این روند چه نوع موضع‌گیری نسبت به آینده دولت سوریه می‌خواهد داشته باشد و مهم‌تر از آن دولت آینده سوریه از چه هویت و شاکله‌ای برخوردار است. از سوی دیگر کشورهای فرامنطقه‌ای به عنوان عوامل مداخله‌گر، مهمانان ناخوانده‌ای هستند که در منطقه حضور دارند؛ ولی در نهایت این کشورهای منطقه هستند که با دولت‌های گوناگونی که بر سر کار می‌آیند باید در یک تفاهم و هم‌فکری مسالمت‌آمیز، آینده دولت و آینده ملت‌های خود را بسازند. بنابراین هر دولتی با هر رویکردی که در سوریه بر سر کار بیاید، باید باتوجه به پیشینه تاریخی ایران

روابط سیاسی بین کشورها به دو صورت «دوفکتو» و «دوژور» می‌باشد. شناسایی دوفکتو به معنی شناسایی موقتی و به منظور برقراری مناسبات سیاسی در سطح پایین است و نمی‌تواند سفیر مبادله کرده یا قراردادهای دوجانبه امضاء کنند؛ ولی شناسایی دوژور به معنی برقراری مناسبات کامل دیپلماتیک می‌باشد.

۴- خاورمیانه

اصطلاح خاورمیانه را برای نخستین بار (مورخ دریایی آمریکا) «آلفرد تایر ماهان» در سال ۱۹۰۲ میلادی به کار برد. منظور وی منطقه‌ای بود بین «خاور دور» و «خاور نزدیک»، که جزو هیچ‌کدام به شمار نمی‌آمد. همچنین منظور از خاور نزدیک نیز کشورهای شرق دریای مدیترانه بود.

خاورمیانه بیش از آن که یک مفهوم و اصطلاح جغرافیایی باشد، مفهومی سیاسی است و از این رو در مورد حدود و ثغور آن تعاریف و دیدگاه‌های گوناگونی وجود دارد. در بسیاری از تعاریف، خاورمیانه به مجموع کشورهای جنوب غربی آسیا و شمال شرقی آفریقا که شامل: «ایران، ترکیه، قبرس، عراق، سوریه، لبنان، رژیم اشغال‌گر قدس، اراضی خود گردان فلسطین، اردن، مصر، عربستان سعودی، یمن، کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، عمان و سودان» است؛ گفته می‌شود. [24]

۵- نظریه وابستگی متقابل

نظریه وابستگی متقابل، در طیف «تئوری‌های همکاری» قرار دارد. مقصد اصلی نظریه پردازان وابستگی متقابل، از یک سو تبیین کاهش کارایی قدرت نظامی در روابط بین‌الملل و از سویی دیگر، گسترش همکاری بین دولت‌ها برای رسیدن به دنیایی با ثبات و دارای امنیت می‌باشد. نظریه وابستگی متقابل «رابرت کوهن» و «جوزف نای» بر این نکته اساسی مبتنی است که: «در سیستم بین‌المللی معاصر، مسائل اقتصادی و رفاهی، جایگزین مسایل سیاسی و امنیتی شده و از این رو، زور و خشونت نمی‌تواند کارایی مناسب در روابط اقتصادی بین دولت‌ها داشته باشد؛ بلکه برعکس مذاکره، چانه‌زنی، ارتباطات متقابل و همکاری می‌تواند منافع اقتصادی و تکنولوژیکی طرفین را تأمین کند».

چندین فرض پایه‌ای به عنوان مفروضات نظریه وابستگی متقابل وجود دارد که وابستگی متقابل براساس آن‌ها بنیاد نهاد شده است، که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- سلاح‌های هسته‌ای و بازدارندگی؛
- اهمیت مسائل اقتصادی و رفاهی؛
- حساسیت و آسیب‌پذیری، رفتار کشورها در سیستم بین‌المللی معاصر؛
- عدم مناسبت روز در روابط اقتصادی؛
- عدم خودکفایی و استقلال اقتصادی؛
- تغییر معنای قدرت.

و قدرتی که از جغرافیای آن بر می‌خیزد، حد قابل قبولی از رفتار محترمانه را با دولت ایران داشته باشد.

یافته‌های تحقیق

۱- موقعیت منطقه‌ای ایران

قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران در مرکز بیضی استراتژیک هیدروکربوری جهان در خاورمیانه و آسیای میانه، که منبع اصلی تغذیه انرژی جهان به شمار می‌رود؛ باعث شده تا بخش قابل توجهی از این منابع را در خود جای دهد. از طرفی ایران تنها کشوری است که به هر دو حوزه نفت و گاز «خلیج فارس» و «دریای خزر» دسترسی مستقیم دارد؛ به علاوه قرارداشتن بین دو موقعیت بری و بحری که این امر موقعیت آن را منحصر به فرد می‌کند. [42] از طرف دیگر ملاک قدرت در قرن بیست و یکم میلادی توانمندی اقتصادی در سطح بین‌المللی است و منطقه خلیج فارس به دلیل داشتن این توانمندی از مناطق «ژئواکونومیک» و «ژئواستراتژیک» است و ایران که در این منطقه واقع شده از لحاظ راهبردی و اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. [34]

بنابراین دستیابی به جایگاه «هژمونیک» و ایفای نقش موثرتر در منطقه همواره یکی از اهداف سیاست خارجی ایران بوده است و آمریکا به عنوان ابرقدرت جهان در تلاش است تا ایران را از دستیابی به این جایگاه برتر در منطقه باز دارد. [9]

به طور کلی روابط ایران و کشورهای خاورمیانه از دیرباز از تنوع قابل توجهی برخوردار بوده و هیچ‌گاه ایران یک استراتژی مشخص را در قبال تمامی آن‌ها به کار نگرفته است. این در حالی است که عامل اقتصادی مهم‌ترین ابزار این کشور برای گسترش روابط خود با همسایگانش به شمار می‌آید و با استفاده از این عمل تاکنون توانسته بر بسیاری از اختلافات ایدئولوژیک و ارضی با کشورهای منطقه غلبه کند.

با نگاهی به روابط خارجی ایران با کشورهای خاورمیانه به ویژه کشورهای عربی به نظر می‌رسد در حالی که دو طرف تا پیش از انقلاب روابط گرم و دوستانه‌ای با یکدیگر داشتند؛ در دوران پس از انقلاب متوجه فراز و نشیب‌های بسیاری در روابط آن‌ها خواهیم شد. [11] هرچند این فراز و نشیب‌ها علل مختلفی دارند، اما با یکدیگر مرتبط‌اند. عدم شناخت لازم و کافی نخبگان حاکم از روندها و فرآیندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، فقدان استراتژی - منطقه‌ای واقع بینانه و کارآمد، اختلافات داخلی و بحران‌های منطقه‌ای مانند: جنگ از جمله مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شوند. [19] در مجموع می‌توان گفت، نقاط قوت و ضعف داخلی ایران در کنار تحولات اخیر منطقه، به شکل‌گیری فرصت‌ها و تهدیدهای جدیدی برای این کشور در خاورمیانه انجامیده است.

[41]

۲- موقعیت منطقه‌ای سوریه

سوریه که در منطقه آسیای غربی و خاورمیانه واقع شده است به عنوان مرکز ارتباطات سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا شناخته می‌شود و به ساحل شرقی مدیترانه اشراف دارد. از دوران گذشته این کشور مرکز بازرگانی میان شرق و غرب بوده است.

سوریه از لحاظ استراتژیک برای کشورهای عربی اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا این کشور از شمال با ترکیه غیرعرب و از جنوب با اسرائیل هم مرز است. این کشور به خاطر نقش زیادی که در لبنان، فلسطین و عراق دارد؛ به عنوان بازیگر اصلی به حساب می‌آید و نقش این کشور در منطقه با اشغال فلسطین توسط اسرائیل و جنگ اعراب و آن رژیم اهمیت بسزایی یافت. همچنین در دوران جنگ سرد به دلیل هم‌پیمانی با اتحاد جماهیر شوروی نقش عمده‌ای پیدا نمود؛ اما با فروپاشی آن نه تنها از اهمیت سوریه کاسته نشد، بلکه بعد از اشغال کویت توسط عراق در ائتلاف غرب به رهبری آمریکا قرار گرفت و حمایت آن‌ها را کسب کرد. به دنبال آن مشارکت سوریه در مذاکرات صلح خاورمیانه بار دیگر نشان داد که اهمیت سوریه به دلیل وابستگی به شوروی نبوده، بلکه این کشور دارای اهمیت ذاتی است. طی یک دهه گذشته فشارهای زیادی برای اجبار سوریه به پذیرش صلح وارد شده، اما سوریه در این خصوص با اعلام شرایط خود حاضر نگردیده است از مناطق اشغالی خود چشم‌پوشی کند و با اتخاذ سیاست‌های ویژه توانسته رژیم صهیونیستی و آمریکا را در لبنان و عراق به چالش کشد. [3]

۳- روابط ایران و سوریه

۳-۱- روابط ایران و سوریه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۴۶ تا ۱۹۷۹ میلادی)

به طور کلی روابط ایران و سوریه قبل از انقلاب اسلامی به جز در مقاطعی استثنایی و علی‌رغم بعضی حمایت‌های سیاسی و اقتصادی رژیم شاه از سوریه و دید و بازدیدهای مقامات و شخصیت‌های بلندپایه دو کشور از یکدیگر، به علت روابط نزدیک شاه و اسرائیل و هم‌پیمانی با آمریکا و غرب هیچ‌گاه از عمق برخوردار نبود و همواره در سطح پایینی قرار داشته و با فراز و نشیب همراه بوده است. پایین بودن سطح روابط دو کشور ناشی از واقعیات موجود در دو کشور و تفاوت عمده بین سیستم حکومتی و اهداف و اصول دو کشور بود. سوریه برعکس ایران، مورد حمایت شوروی و کم و بیش متأثر از سیاست‌های خاورمیانه‌ای آن کشور و دشمن سرسخت اسرائیل بود و به دلیل شرکت در چند جنگ بزرگ با اسرائیل و از دست دادن قسمتی از خاکش (بلندی‌های جولان) خصومت شدیدی با رژیم صهیونیستی داشت و نمی‌توانست روابط

کمک‌ها و وام‌های اعطایی از طرف ایران، برای بهبود اقتصاد ناسامانش تلاش نماید.

۳- به قدرت رسیدن ژنرال «حافظ اسد» و پایان بحران داخلی سوریه: اسد در سال ۱۹۷۰ میلادی با کودتا به قدرت رسید؛ وی اوضاع داخلی را سر و سامان داد و سیاست خارجی مستقلی در پیش گرفت که مورد توجه شاه ایران قرار گرفت.

۴- مرگ «جمال عبدالناصر» و افول ناسیونالیسم عربی: پس از مرگ ناصر؛ جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل و صلح مصر با اسرائیل مهم‌ترین عامل فروپاشی وحدت اعراب و باعث نزدیکی سوریه به ایران گردید. [8]

۲-۳- روابط ایران و سوریه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۸ تا ۲۰۱۹ میلادی)

تنظیم، تحکیم و توسعه سیاسی- امنیتی روابط میان کشورها از ویژگی‌های شاخص و بارز ایجاد هم‌پیمانی راهبردی است و حتی می‌توان گفت بدون شکل‌گیری مناسبات سیاسی- امنیتی، همکاری یا هم‌پیمانی راهبردی میان کشورها صورت نخواهد پذیرفت. در این زمینه، بزرگ‌ترین عامل نزدیکی کشورها به یکدیگر، داشتن تهدید مشترک و دشمن مشترک است که این امر موجب می‌شود، کشورها موارد اختلاف با یکدیگر را به حداقل برسانند و بتوانند تهدید مشترک موجود را از پیش رو بردارند.

«کالوی جیمز هالستی» در این مورد می‌گوید: «حکومت‌هایی که درصدد ایجاد ائتلاف‌های دیپلماتیک و اتحادهای نظامی دائمی هستند، فرض‌شان این است که با تجهیز توانایی‌های خود نمی‌توانند به هدف‌هایشان نائل آیند؛ از منافع‌شان دفاع کنند؛ یا جلوی تهدیدات تصویری را بگیرند، از این‌رو به دولت‌های دیگر که با مسائل خارجی مشابه رویارو هستند و یا در همان هدف‌ها سهیم‌اند، تکیه کرده و به آن‌ها تعهداتی می‌سپارند». [18]

انقلاب اسلامی ایران در شرایطی که ابرقدرت‌ها در یک دوره تشنج‌زدایی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به تفاهم رسیده و یک نظام جهانی امپریالیستی هماهنگی را به‌وجود آورده بودند و حرکت‌های سازش کارانه در دنیای عربی در قبال قضیه فلسطین در حال فراگیر شدن بود و مصر با امضای «پیمان کمپ دیوید» با اسرائیل که پرچم‌دار این جریان بود و در ۱۱ فوریه سال ۱۹۷۹ میلادی به وقوع پیوست؛ همچون زلزله‌ای بود که خاورمیانه را تکان داد و صحنه ترتیبات سیاسی- امنیتی منطقه خاورمیانه، تغییرات زیادی پیدا کرد. لذا از ابتدا خود را هویتی مستقل و جدا از نظام‌های ارزشی حاکم بر شرق و غرب معرفی نمود و با طرح شعارهایی چون «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» و «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» موفق به درهم کوبیدن تمام محاسبات و مناسبات و نهادهای امپریالیستی گردید. [8]

ایران که تا آن زمان به عنوان متحد آمریکا و اسرائیل در

نزدیک ایران و اسرائیل را تحمل کند؛ بنابراین طبیعی بود که دو- کشور نتوانند به یک سطح خوبی از روابط متقابل دست یابند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران به دشمن آمریکا و اسرائیل تبدیل شده بود. لذا در نخستین روزهای پیروزی انقلاب، در یک اقدام بسیار مهم روابط کامل دیپلماتیک خود را با اسرائیل قطع کرد و سفارت آن کشور در تهران را به نمایندگی «سازمان آزادی بخش فلسطین» واگذار کرد و در سال ۱۳۵۸ نیز به فرمان امام خمینی (ره) روابط دیپلماتیک با مصر قطع گردید.

این اقدامات برای سوریه که دشمنی دیرینه‌ای با اسرائیل داشت؛ خوشایند بود. در نتیجه به انقلاب اسلامی ایران گرایش پیدا کرد و خواهان گسترش روابط دوجانبه گردید.

۱-۳- عوامل تأثیرگذار بر سردی روابط دوجانبه قبل از انقلاب اسلامی (۱۹۴۶ تا ۱۹۷۳ میلادی)

۱- روابط ایران با رژیم اسرائیل: روابط گسترده ایران با رژیم اسرائیل پس از شناسایی آن و برقراری روابط گسترده اقتصادی و امنیتی از مسائل مهمی بود که مانع بهبود روابط ایران و سوریه می‌شد. [33]

۲- مشکلات داخلی سوریه و ایدئولوژی رادیکال حزب بعث: مانند بحران‌های شدید داخلی، کودتاها، عدم ثبات سیاسی و قدرت گرفتن حزب بعث از مهم‌ترین ویژگی‌های این سال‌هاست.

۲-۳- عوامل تأثیرگذار بر بهبود نسبی روابط دوجانبه قبل از انقلاب اسلامی (۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ میلادی)

۱- شرایط منطقه‌ای: مجموعه‌ای از شرایط منطقه مانند مذاکره صلح مصر با اسرائیل، اتهامات عراق به سوریه، دشمنی طولانی احزاب بعث سوریه و عراق بر سر کسب موقعیت برتر استراتژیک در منطقه، حضور سوریه در لبنان و مخالفت عراق با آن، مرگ «سعود الفیصل» پادشاه عربستان و حامی سوریه، سبب شد که سوریه بیش از پیش احساس تنهایی کند و به ایران که در این زمان هم از لحاظ وضعیت اقتصادی در شرایط مساعدی قرار داشت و هم به ظاهر در روابطش با اسرائیل تعدیل نشان می‌داد، رو کند. [12]

۲- شرایط بین‌المللی: مجموعه‌ای از شرایط بین‌المللی مانند آغاز تنش‌زدایی شوروی و آمریکا، خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ میلادی، افزایش قدرت نظامی ایران، درگیری آمریکا در جنگ ویتنام، پیروزی چشم‌گیر جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان، بهبود وضعیت اقتصادی ایران و ژانداری منطقه باعث تغییر اوضاع بین‌الملل شد و به شاه ایران امکان داد، در این موقعیت از استقلال عمل بیشتری در منطقه برخوردار شود و ایران را به بازیگر عمده‌ای در مسائل منطقه‌ای مبدل سازد [6]؛ لذا سوریه بهتر آن دید که از موقعیت استفاده کند و در جهت کسب

جنگ فارس و عرب جلوگیری نمود؛ ۲- ایجاد محور استراتژیک بین ایران و سوریه در طول جنگ که در راستای منافع ملی ایران بود؛ ۳- بستن خط لوله نفت عراق توسط سوریه و وارد کردن ضربه به اقتصاد عراق؛ ۴- مقابله با اتخاذ تصمیمات سیاسی بر علیه ایران در اجلاس منطقه‌ای و جهانی؛ ۵- سوریه یکی از منابع تأمین تجهیزات نظامی ایران در طول جنگ بود که از سوی قدرت‌های بزرگ تحریم تسلیحاتی شده بود؛ ۶- سوریه به عنوان پل ارتباطی بین ایران و کشورهای عربی در بعضی بحران‌ها عمل می‌کرد؛ ۷- ایران از طریق سوریه رابطه خود را با لبنان که اهمیت راهبردی داشت، تعمیق نمود.

ب- منافع رابطه دوجانبه برای سوریه:

- ۱- افزایش نقش منطقه‌ای سوریه در اثر رابطه با ایران؛ ۲- میانجی‌گری ایران در بحران به وجود آمده در روابط ترکیه و سوریه؛ ۳- حمایت ایران از مواضع سوریه در قبال فلسطین و لبنان؛ ۴- دریافت کمک‌های اقتصادی فراوان از ایران به دلیل حمایتش در جنگ تحمیلی.

۴- بررسی تطبیقی سیاست خارجی ایران و سوریه

- آن‌چه در سیاست خارجی ایران به عنوان یک اصل مطرح است، بحث وحدت جهان اسلامی می‌باشد؛ در حالی که برای سوریه بحث وحدت عربی (پان عربیسم) مطرح می‌باشد. [21]

- یکی از اصول مهم سیاست خارجی ایران اصل نه شرقی، نه غربی است که از سیاست عدم تعهد پیروی می‌کند؛ در مقابل سوریه در هر زمان پشتیبانی قدرتی را به دنبال خود داشته است (به طوری که چند دهه گذشته از پشتیبانی شوروی و در جریان اشغال کویت در ائتلاف غرب قرار گرفت).

- سیاست خارجی ایران ملهم از دین مقدس اسلام و بیش‌تر جنبه آرمان‌گرایی دارد؛ در حالی که در سیاست خارجی سوریه توجه به منافع ملی اصل اساسی محسوب می‌شود.

- انقلاب اسلامی ایران به عنوان نماینده اسلام ناب محمدی (ص) با ماهیتی ضد صهیونیستی و حامی مستضعفان جهان توانست به پیروزی برسد و از همان ابتدا مبارزه با رژیم صهیونیستی را تا آزادی سرزمین فلسطین و قدس شریف لازم دانست. سوریه نیز که قسمتی از سرزمین‌اش (بلندی‌های استراتژیک جولان) در اشغال اسرائیل بوده و در خط مقدم مبارزه با این رژیم قرار دارد، از همان ابتدا اسرائیل را محکوم نمود و در طی جنگ‌های مختلف به مبارزه با آن پرداخت.

۵- رویکرد آمریکا و متحدانش در برابر مناسبات دو

کشور پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی

به دنبال وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و اتخاذ سیاست‌های مبارزه

منطقه به شمار می‌رفت، به دشمن آمریکا و اسرائیل تبدیل شد. لذا این انقلاب، اسرائیل را به عنوان نمادی از پایگاه نظامی غرب در خاورمیانه و ابزار سیاست آمریکا و دشمن اسلام معرفی و در نخستین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی، در یک اقدام بسیار مهم (روابط کامل دیپلماتیک با این رژیم قطع) و سفارت این کشور در تهران تعطیل و مقر آن به نماینده سازمان آزادی‌بخش فلسطین با اعطای لقب «سفیر فلسطین» تسلیم گردید. [37] همچنین در اردیبهشت ۱۳۵۸ با فرمان امام خمینی (ره)، روابط دیپلماتیک با مصر نیز قطع گردید و با این اقدام، مصر تحت رهبری «انور سادات»، نزد مسلمانان مظهر ثبات و منافع اسرائیل در منطقه تلقی و مجری نیات غرب در خاورمیانه معرفی شد. از طرفی جمهوری اسلامی ایران، اتحاد میان مسلمانان را امری ضروری و لازم دانست و از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران در هر نقطه از جهان حمایت کرد.

از این رو تغییر رویکرد ایران انقلابی از هم‌پیمانی با آمریکا و اسرائیل به دشمنی با این دو کشور، درست هنگامی که وزنه مصر از جرگه اعراب خارج شده بود؛ برای سوریه که دشمنی دیرینه‌ای با اسرائیل داشت، خوشایند بود و این امر برای سوریه یک فرصت محسوب می‌شد؛ لذا سوری‌ها که در خط مقدم مبارزه با اسرائیل قرار داشتند؛ به شدت به انقلاب اسلامی گرایش پیدا کردند و از اولین کشورهایی بودند که جمهوری اسلامی ایران را به رسمیت شناختند و خواهان گسترش روابط دو کشور شدند. [43]

۱-۲-۳- دلایل بهبود و گسترش روابط ایران و

سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

- ۱- ارتباط دولت سوریه با مخالفان رژیم شاه قبل از انقلاب؛
- ۲- تغییر بنیادین در سیاست خارجی ایران و در پیش گرفتن سیاست مستقل؛

۳- قطع رابطه با اسرائیل که باعث خشنودی مردم جهان عربی و سوریه شد؛

۴- مخالفت هر دو کشور با صلح مصر و اسرائیل و تأثیرات آن در منطقه؛

۵- مخالفت هر دو کشور با سیاست‌های رژیم بعث عراق به عنوان دشمن مشترک؛

۶- حمایت هر دو کشور از مقاومت اسلامی در فلسطین و لبنان؛

۷- حمایت سوریه از جمهوری اسلامی ایران در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

۲-۲-۳- منافع رابطه با ثبات برای هریک از دو

کشور ایران و سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی

الف- منافع رابطه دوجانبه برای ایران:

- ۱- با حمایت سوریه از ایران در جنگ تحمیلی از شعله‌ور شدن

۲۰۰۷): به دنبال پیروزی حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه با اسرائیل که موجب تقویت نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران در حريم عربی گردید و به جهت مقابله با این موضوع، کشورهای عربی و آمریکا تلاش کردند تا سوریه را با دادن مشوق‌های مختلف و پذیرش صلح با اسرائیل از محور ایران و مقاومت اسلامی منطقه خارج نمایند.

[23]

۲- مذاکرات چهارجانبه سوریه، قطر، ترکیه و فرانسه در دمشق (۵ سپتامبر ۲۰۰۸): این مذاکرات با حضور امیر قطر، نخست‌وزیر ترکیه و روسای جمهور فرانسه و سوریه در دمشق برگزار شد و هدف اصلی اجلاس از سرگیری گفتگوهای متوقف شده سوریه و اسرائیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ اعلام شد [47]؛ ولی یکی از مهم‌ترین اهداف آن تلاش برای جداسازی سوریه از ایران بود که اظهارات ضد ایران «نیکلا سارکوزی» این واقعیت مهم را برملا ساخت. [23]

۳- مذاکرات سوریه با آمریکا و اسرائیل: آمریکا و متحدانش طی سال‌های اخیر وقتی متوجه شدند که با فشار نمی‌توانند سوریه را از ایران و محور مقاومت اسلامی دور کنند؛ به این نتیجه رسیدند که، رویکرد خود را در مقابل سوریه تغییر دهند و به سوریه نقش جدیدی در تحولات منطقه بدهند تا به اهدافشان برسند.

۴- تقویت مناسبات سوریه با کشورهای عربی: پیامدهای ناشی از جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله و ۲۲ روز غزه با اسرائیل نشان می‌دهد که کشورهای عربی احساس می‌کنند از رقابت با ایران در صحنه‌های حیاتی عربی جامانده‌اند و دریافتند ایران به پشتوانه سوریه و مقاومت توانسته در عرصه تحولات منطقه پیش‌تاز شود؛ از این رو کوشیدند با تقویت مناسبات خود با سوریه و ترکیه و قطر بتوانند قدرت ایران را در منطقه مهار کنند.

در مجموع، همان‌طور که «مروان قبلان»، کارشناس مرکز مطالعات و تحقیقات راهبردی دانشگاه دمشق می‌گوید: «هم پیمانی ایران و سوریه طی ۳۰ سال گذشته یک ضرورت بود، نه یک انتخاب». این ضرورت پس از حادثه یازدهم سپتامبر و افزایش فشار آمریکا به ایران و سوریه و مقاومت اسلامی، بیش از پیش احساس گردید. [45]

۷- عمده‌ترین تصورات نسبت به تحولات منطقه‌ای، به ویژه روابط ایران و سوریه

الف- تصورات بدبینانه (تغییر رویکرد سخت‌افزاری

آمریکا به نرم‌افزاری): پس از ۱۰ سال جنگ و درگیری و ماجراجویی در منطقه، اکنون آمریکا به این نتیجه رسیده است که خاورمیانه برای عبور از شرایط پرتلاطم فعلی نیاز به آرامش و ثبات دارد. در این زمینه می‌توان با کاستن از فشار به سوریه این کشور را وارد فضای تنفسی جدید کرد و از این فضا برای نیل به اهداف

با تروریسم توسط ایالات متحده آمریکا و همچنین ارائه «طرح خاورمیانه بزرگ» که از اهدافش، حمایت از اسرائیل و تأمین امنیت این رژیم بود؛ نیاز به برخورد جدی با گروه‌های مقاومت اسلامی و پشتیبانان منطقه‌ای آن‌ها از جمله ایران و سوریه داشت.

۱-۵- گزینه‌های مطرح آمریکا و متحدانش برای

شکست حلقه‌های مقاومت اسلامی

حمله به دو کشور ایران و سوریه یا یکی از آن‌ها؛ ۲- انزوای شدید بین‌المللی و منطقه‌ای این دو کشور؛ ۳- ایجاد شکاف میان دو کشور؛ ۴- قطع جریان مقاومت اسلامی با این دو کشور اعلام شد. [4]

اما مطمئن‌ترین، بهترین و کم هزینه‌ترین راه برای آمریکا برای رسیدن به اهداف ترسیم شده؛ ایجاد شکاف بین حلقه‌های مقاومت در منطقه می‌باشد و این امر جزء با جدا کردن ایران و سوریه و مقاومت اسلامی امکان‌پذیر نمی‌باشد و از سوی دیگر این اهداف جزء با افزایش فشار یک‌جانبه به این کشورها و ضعیف کردن آن‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

۲-۵- محورهای فشار به ایران و سوریه برای

رسیدن به اهداف ترسیم شده آمریکا و متحدانش

الف- محورهای فشار به ایران:

۱- فشار کشورهای عربی به ایران به خاطر افزایش قدرت منطقه‌ای و نفوذش در عراق، لبنان و فلسطین؛ ۲- مسئله هسته‌ای ایران و فشار همه جانبه بین‌المللی و منطقه‌ای به ایران؛ ۳- فشار آمریکا به ایران به بهانه داشتن نقش مخرب در منطقه و کارشکنی در فرایند صلح خاورمیانه؛ ۴- افزایش فشار به ایران توسط اسرائیل و کشورهای منطقه و غرب به خاطر مواضع اتخاذ شده توسط «دولت آقای احمدی‌نژاد»؛ ۵- نگرانی آمریکا از افزایش توان موشکی ایران و توانایی هدف‌گیری اسرائیل. [46]

ب- محورهای فشار به سوریه:

۱- ناهمراهی سوریه با کشورهای معتدل عربی برای تحقق طرح صلح خاورمیانه؛ ۲- مسئله لبنان و حمایت سوریه از معارضة و باز بودن پرونده قتل «رفیق حریری» نخست‌وزیر اسبق لبنان؛ ۳- وضعیت موجود در روابط سوریه با عراق جدید و تداوم همکاری سوریه با عوامل رژیم بعثی سابق عراق؛ ۴- اختلاف دیرینه سوریه با مصر و عربستان بر سر رهبری جهان عرب؛ ۵- نداشتن پیشرفت ملموس در گفتگوی سوریه با اسرائیل؛ ۶- حمایت سوریه از مقاومت اسلامی فلسطین؛ ۷- حمایت سوریه از فعالیت‌های صلح-آمیز هسته‌ای ایران و جلوگیری از اجماع علیه ایران.

۶- اقدامات انجام شده آمریکا و متحدانش برای

جداسازی سوریه از ایران طی سال‌های اخیر

۱- شرکت سوریه در اجلاس صلح آنابولیس آمریکا (۲۷ نوامبر

و سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به دوران قبل از آن؛ روابطی عمیق، اصولی، استراتژیک و در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام بوده است. در عین حال روابط ایران و سوریه، طی بیش از ۳۰ سال گذشته از کمترین فراز و نشیب برخوردار بوده است و هم‌پیمانی دو کشور در این دوره یک ضرورت بود، نه یک انتخاب.

هرچند اطلاق کشور دوست در عرف روابط بین‌الملل بی معنا می‌باشد؛ ولی می‌توان سوری‌ها را در زمره صادق‌ترین کشورها در برخورداری روابط سیاسی با ایران دانست؛ به طوری که اشتراک مواضع و دیدگاه‌های دو کشور و هم‌سویی و همکاری در بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی به روابط دو کشور ویژگی خاصی بخشیده است و آن‌ها را به متحدان طبیعی و استراتژیک یکدیگر تبدیل کرده است. در نمودار ۱ روابط دو کشور و نقش بازیگران تأثیرگذار در آن به خوبی بیان شده است. [48]

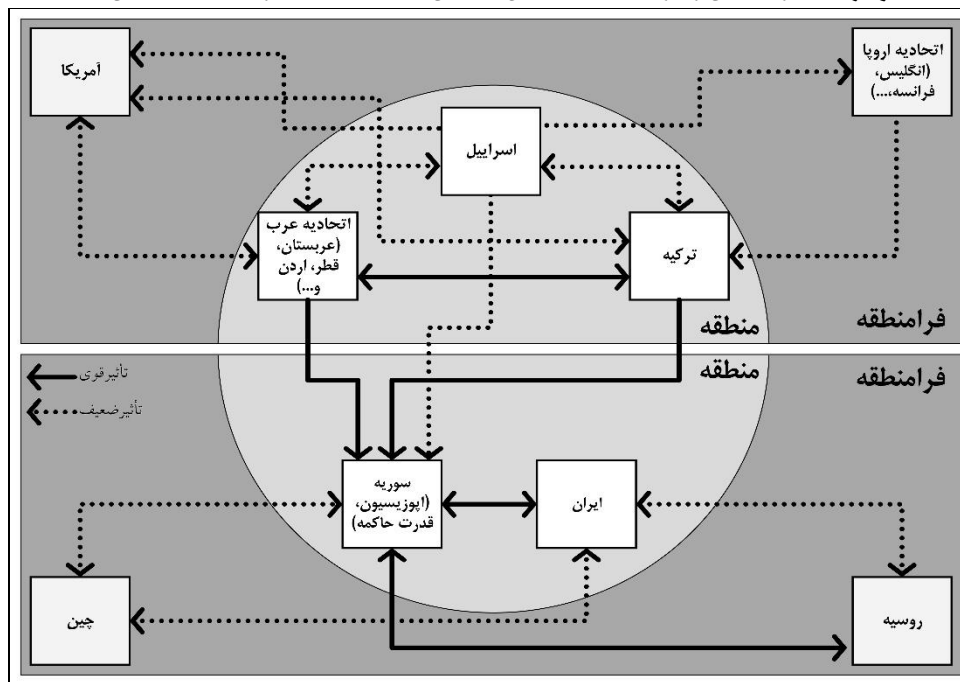
خود استفاده نمود؛ بدون آن که تغییری اساسی در راهبرد آمریکا ایجاد شود.

ب- تصورات خوش‌بینانه (رویکرد خوش‌بینانه در گفتار رهبران ایران و سوریه): ایران و سوریه با حمایت از جریان مقاومت توانستند علاوه بر عدم تحقق خواسته‌های آمریکا در عراق؛ موجبات شکست طرح‌های خاورمیانه بزرگ آمریکا در منطقه را فراهم کنند و ضربات سختی در جنگ‌های ۳۳ روز و ۲۲ روز بر پیکر اسرائیل وارد کنند. همچنین به دنبال سقوط رژیم «حسنى مبارک» متحد راهبردی اسرائیل، اکنون آمریکا، غرب، اسرائیل و کشورهای عربی منطقه با اذعان به قدرت نوظهور منطقه‌ای ایران به عنوان رهبری مقاومت اسلامی می‌کوشند از حرکت‌های خصمانه خود علیه ایران و سوریه دست بردارند و روابط خود را براساس شرایط جدید منطقه تنظیم کنند.

۸- برآورد چهار دهه مناسبات راهبردی جمهوری اسلامی ایران و سوریه

در مجموع نگارندگان معتقدند که روابط سیاسی- امنیتی ایران

نمودار (۱): روابط ایران و سوریه با تاکید بر نقش بازیگران تأثیرگذار منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در آن



(منبع: نگارندگان)

محدود به درخواست‌های صنفی بود. اولین تظاهرات رسمی و گسترده علیه حکومت در ۱۵ مارس ۲۰۱۱، در شهرهای حسکه، دیرالزور، حما و درعا برگزار شد. به تدریج گروه‌های مسلح ناشناس فعالیت خود را علنی تر کرده و ۵ ماه پس از اولین تظاهرات بزرگ، رسماً گروهی از آن‌ها تشکیل ارتشی به نام «ارتش آزاد سوریه» را با هدف سرنگونی حکومت سوریه اعلام کردند. [26] در این بین

۹- بحران سوریه

اعتراضات ادامه داری که از کشور تونس در اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی آغاز گردید، سایر کشورهای عرب منطقه را نیز در بر گرفت. [32] از جمله کشورهایی که درگیر بحران سیاسی پیچیده‌ای شده است؛ کشور سوریه می‌باشد. حرکت‌های اعتراض- آمیز در سوریه از اوایل سال ۲۰۱۱ آغاز شد. این اعتراضات ابتدا

این تحولات تأثیرگذار باشند. نمودار ۲ بازیگران تأثیرگذار در بحران سوریه را نشان می‌دهد. [2, 7, 10, 14, 15, 17, 25, 31, 35, 36, 38, 40]

هرچه از زمان آغاز تحولات و ناآرامی‌ها در سوریه گذشته، ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی آن نیز بیشتر شد، به نحوی که هریک از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای سعی کردند به‌نوبه خود، بر روند

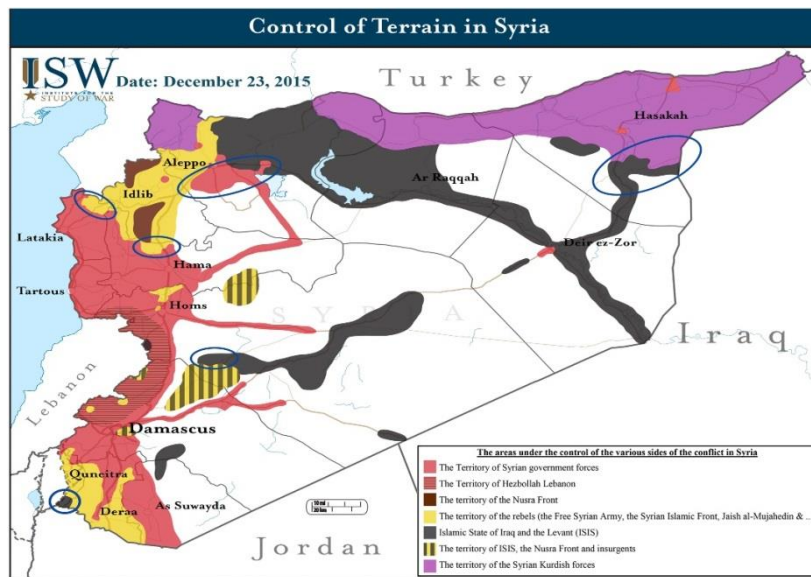
نمودار (۲): بازیگران تأثیرگذار در بحران سوریه

بازیگران تأثیرگذار در بحران سوریه			
بازیگران داخلی		بازیگران خارجی	
دولت	حزب بعث	آمریکا	تأمین امنیت اسرائیل، تضمین استراتژیک صدور انرژی از خاورمیانه به غرب، صلح اعراب و اسرائیل
	خاندان اسد	اتحادیه اروپا	وجود منافع مشترک با آمریکا، کنترل قیمت نفت، مبارزه با تروریسم، جلوگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، حفظ روند صلح اعراب و اسرائیل، گسترش دموکراسی و حقوق بشر، اهمیت سوق‌الجیشی مدیترانه
		روسیه	جلوگیری از گسترش نفوذ و سلطه منطقه‌ای ناتو و آمریکا بر خاورمیانه، جلوگیری از دست‌دادن منافع راهبردی و قطع یا کاهش نفوذ روسیه در حوزه دریای مدیترانه، تعدیل و موازنه قدرت در منطقه، تضاد منافع با کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس
مخالفان و معارضین	اخوان المسلمین	چین	تمایل به پشت سر گذاشتن آمریکا در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی و پیدا کردن جایگاه و شأن مناسب در نظام بین‌الملل، جلوگیری از کنترل منابع نفتی خاورمیانه توسط آمریکا، جلوگیری از سقوط سوریه و تضعیف منافع متحدان خود چون ایران و روسیه، جلوگیری از ضربه خوردن اقتصادی به خاطر سرمایه‌گذاری گسترده چین در بخش نفت سوریه و حجم گسترده روابط اقتصادی دوجانبه
	سلفی‌ها	اتحادیه عرب (عربستان، قطر، اردن، ...)	تضعیف مواضع منطقه‌ای ایشان در مقابل ایران؛ بدلیل تقویت مواضع ایران در منطقه و همراهی و همکاری سوریه با آن
	شورای ملی سوریه	ترکیه	معرفی به عنوان الگویی برای حکومت‌های آینده منطقه براساس دنبال کردن تئوری کشور راهبردی و پیششار اردوغان، جلوگیری از سقوط کشورهای منطقه در ورطه افراط‌گرایی، جلوگیری از کاهش فضای تنفسی اسرائیل و جهان عرب، پیدا کردن نقش فعال در تحولات منطقه
مردم	اقوام	اسرائیل	نگرانی بابت زیان دیدن از تحولات دنیای عرب، تضعیف محور مقاومت—ایران، کاهش تهدیدها بر علیه منافع و موجودیت اسرائیل، سود و زیان بابت تغییر نظام حاکمه بخاطر دولت‌ضدایرانی و یا تثبیت نظام حاکمه، کاهش و یا از بین رفتن مقاومت بر علیه این کشور، روی کار آمدن حکومت همسوتر با غرب در سوریه که رقیب و تهدید ضعیف برای اسرائیل باشد
	ادیان، مذاهب و فرق گوناگون	ایران	متحد مهم و راهبردی سوریه با داشتن سابقه قبلی روابط، منافع و تهدید مشترک، افزایش قدرت و نفوذ ایران در منطقه با از بین رفتن متحدان آمریکا و غرب و روی کار آمدن دولت‌های اسلام‌گرا، افول محور مقاومت در صورت سقوط بشار اسد، تمایل به حفظ محور مقاومت و حمایت همه‌جانبه از دولت سوریه، مقابله با ابتکارات سازش کارانه آمریکا و اسرائیل در عرصه مقاومت فلسطین، ارائه کمک‌های همه‌جانبه بخصوص در زمینه مالی و فنی به اقتصاد سوریه، جلوگیری از تضعیف کانون شد صهیونیستی در جوار اراضی اشغالی فلسطین با تأکید بر بازگشت آرامش و عدم مداخله خارجی در امور سوریه

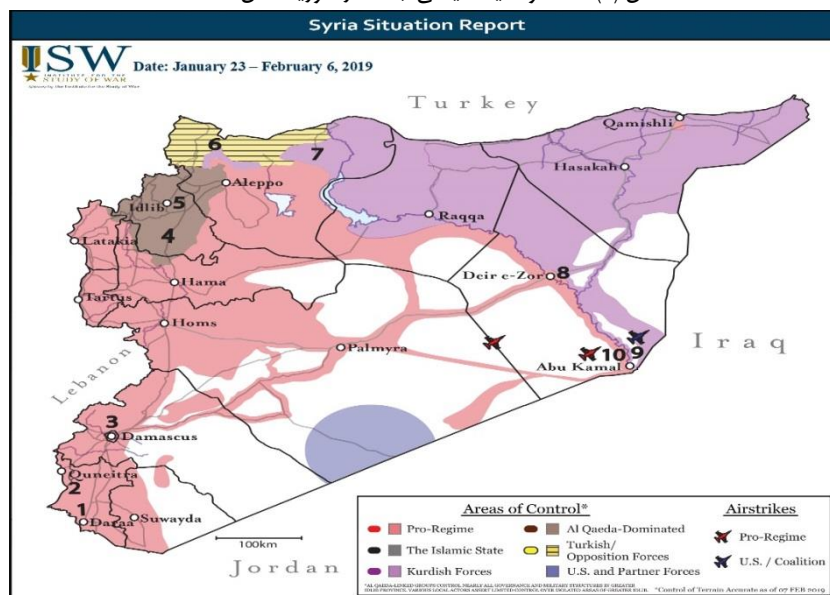
(منبع: نگارندگان)

شکل‌های ۱ و ۲ نقشه مناطق تحت سیطره شورشیان و دولت سوریه در اوایل و اواخر جنگ داخلی سوریه را نشان می‌دهد. [44]

شکل (۱): نقشه وضعیت میدانی جنگ در سوریه، سال ۲۰۱۵



شکل (۲): نقشه وضعیت میدانی جنگ در سوریه، سال ۲۰۱۹



برای سیاست‌های آمریکا و اسرائیل محسوب می‌شود. برای جلوگیری از چنین وضعیتی آمریکا پیدایش گزینه دوم را تشویق خواهد نمود که با در نظر گرفتن شرایط حاضر دور از انتظار به نظر می‌رسد. در عوض محتمل‌ترین گزینه پیش رو از نظر ایران، روسیه و چین در شرایط فعلی و با ارزیابی گزینه‌های محتمل برای آینده سوریه، گزینه اول یعنی بقای حکومت فعلی سوریه به شرط پذیرش و اجرای اصلاحات براساس خواسته ملت سوریه است.

تجزیه و تحلیل

بررسی آینده روابط ایران و سوریه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای و نقش آن‌ها در تقویت هم‌گرایی دو کشور در قالب یک مقاله دشوار است؛ اما برای رسیدن به این هدف در پژوهش حاضر موقعیت منطقه‌ای ایران و سوریه، روابط دو کشور، بررسی تطبیقی

۱۰- جایگزین‌های قابل تصور برای وضع موجود بحران سوریه

به نظر می‌رسد برای وضع موجود سوریه، شش گزینه به شرح زیر قابل تصور باشد:

۱- بقای رژیم فعلی و انجام اصلاحات در راستای منافع ملی (گزینه مورد نظر ایران، روسیه و چین)؛ ۲- روی کارآمدن لیبرال‌ها و طرفداران غرب (گزینه مورد نظر آمریکا و متحدانش)؛ ۳- روی کارآمدن «سلفی‌های تندرو»؛ ۴- روی کارآمدن حکومت هم‌سو با جریان محافظه‌کار منطقه مانند «جریان اخوان المسلمین» که در مصر و تونس شکل گرفت؛ ۵- تجزیه سوریه؛ ۶- وارد شدن جنگ خارجی برای وحدت ملی؛

از بین شش گزینه فوق گزینه‌های پنجم و ششم را می‌توان کاملاً غیرمحتمل دانست، گزینه‌های سوم و چهارم که خطر واقعی

۱- صلح اسرائیل و سوریه و به پیروی از آن قطع جریان مقاومت با ایران؛ ۲- حل منازعات سوریه با آمریکا و کشورهای عربی؛ ۳- افزایش فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی به سوریه و عدم توانایی در تحمل آن؛ ۴- ایجاد تغییر در نظام علوی سوریه و ساختار سوریه به دنبال تحولات اخیر منطقه؛ ۵- ایجاد وابستگی اقتصادی سوریه به غرب و کشورهای عربی منطقه؛

ب- عوامل مربوط به ایران:

۱- حل منازعات ایران و آمریکا به‌ویژه در مسائل منطقه‌ای؛ ۲- حل منازعات ایران و اعراب؛ ۳- ایجاد تغییر در حکومت و رفتار ایران؛ ۴- افزایش فشارها و تحریم اقتصادی ایران و عدم توانایی در کنترل آن‌ها.

نتیجه‌گیری

گذشته از روابط دیرینه و باستانی ایران و سوریه، روابط سیاسی معاصر دو کشور از بدو استقلال سوریه شروع گردید که پیش از این از آن‌ها سخن رفت. این روابط قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به جز در مقاطعی استثنایی و علی‌رغم بعضی حمایت‌های سیاسی و اقتصادی رژیم شاه از سوریه و دید و بازدیدهای مقامات و شخصیت‌های بلندپایه دو کشور از یکدیگر به علت روابط نزدیک شاه و اسرائیل و گرایش به غرب و هم‌پیمانی با آمریکا و اجرای سیاست‌های منطقه‌ای آن کشور، به علاوه عواملی مرتبط با منافع دو کشور از جمله ایدئولوژی حزب بعث راجع به تعلق «استان خوزستان» به اعراب، هیچ‌گاه از عمق برخوردار نبود. برعکس، سوریه مورد حمایت شوروی و کم و بیش متأثر از سیاست‌های خاورمیانه‌ای آن کشور و دشمن سرسخت رژیم صهیونیستی بود. بنابراین طبیعی بود که دو کشور به یک سطح خوبی از روابط متقابل دست نیابند. از طرفی روابط ایران و سوریه پس از پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به دوران قبل از آن حکایت از روابطی عمیق، اصولی، استراتژیک و در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران دارد؛ به‌طوری‌که روابط دو کشور طی بیش از سه دهه گذشته از کم‌ترین فراز و نشیب برخوردار بوده است. در عین حال تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی؛ ویژگی رهبران دو کشور؛ دشمنان و دوستان مشترک منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و نیازهای داخلی آن دو؛ به علاوه روابط اقتصادی، تجاری و بازرگانی و نیز روابط اجتماعی و فرهنگی دو کشور موجبات نزدیکی هرچه بیش‌تر مناسبات ایران و سوریه را پدید آورده است. هرچند اطلاق کشور دوست در عرف روابط بین‌الملل بی‌معنا می‌باشد؛ ولی می‌توان سوری‌ها را در زمره صادق‌ترین کشورها در برقراری روابط سیاسی با ایران دانست. بنابراین هم‌پیمانی ایران و سوریه در این دوره یک ضرورت بود، نه یک انتخاب. این ضرورت پس از حادثه یازدهم سپتامبر و تحولات منطقه‌ای صورت گرفته پس از آن، بیش از پیش احساس گردید و

سیاست خارجی ایران و سوریه، رویکرد آمریکا و متحدانش در برابر مناسبات دو کشور، عمده‌ترین تصورات نسبت به تحولات منطقه‌ای، برآورد چهار دهه مناسبات راهبردی ایران و سوریه، بحران سوریه و جایگزین‌های قابل تصور برای وضع موجود این بحران مورد بررسی قرار گرفت تا به این سوال پاسخ داده شود که «چه چشم انداز قابل پیش‌بینی برای روابط ایران و سوریه در آینده وجود دارد؟» همچنین برای تحلیل آن‌چه گفته شد از نظریه وابستگی متقابل رابرت کوهن و جوزف نای استفاده شد.

نکته‌ای که در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد، این است که باتوجه به نظریه وابستگی متقابل در سیستم بین‌المللی معاصر، مسائل رفاهی و اقتصادی جایگزین مسائل سیاسی و امنیتی شده و از این رو زور و خشونت نمی‌تواند کارایی مناسب در روابط اقتصادی بین دولت‌ها داشته باشد، بلکه برعکس مذاکره و چانه‌زنی، ارتباط متقابل و همکاری می‌تواند منافع اقتصادی و تکنولوژیکی طرفین را تأمین کند.

فرضیه مقاله این بود که «آینده روابط ایران و سوریه در گرو آینده دولت سوریه و آینده موضع‌گیری‌های آن است» و برای ارزیابی درستی و نادرستی آن نیز روابط ایران و سوریه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت.

لذا ترسیم آینده روابط میان دو کشور بدون در نظر گرفتن تصورات بدبینانه و خوش بینانه، عوامل مداخله‌گر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و متغیرهای ژئوپلیتیکی امکان‌پذیر نیست. از این رو با در نظر گرفتن تصورات مذکور می‌توان عوامل تعیین‌کننده در ادامه همکاری راهبردی یا جدایی دو کشور را به شرح زیر برشمرد:

۱- عوامل تداوم همکاری راهبردی دو کشور با در نظر گرفتن تصورات بدبینانه و خوش‌بینانه:

- ۱- دشمنی مشترک هر دو کشور با آمریکا و اسرائیل؛
- ۲- نگاه بدبینانه مشترک هر دو کشور به جریان سازش عربی؛
- ۳- حمایت هر دو کشور از جریان مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین؛
- ۴- تأمین نیازهای دو کشور در زمینه‌های مختلف اقتصادی، صنعتی، ...؛
- ۵- پایداری حکومت‌های دو کشور باتوجه به ویژگی رهبران و نوع حکومت آن‌ها؛

- ۶- نگاه مشترک هر دو کشور به موضوع کردها؛
- ۷- بهبود ذهنیت و نگاه مردمی هر دو کشور نسبت به یکدیگر؛
- ۸- گرایش روزافزون مردم و حکومت سوریه به اسلام. [22]

۲- عوامل ایجاد شکاف در روابط ایران و سوریه با در نظر گرفتن تصورات بدبینانه و خوش‌بینانه

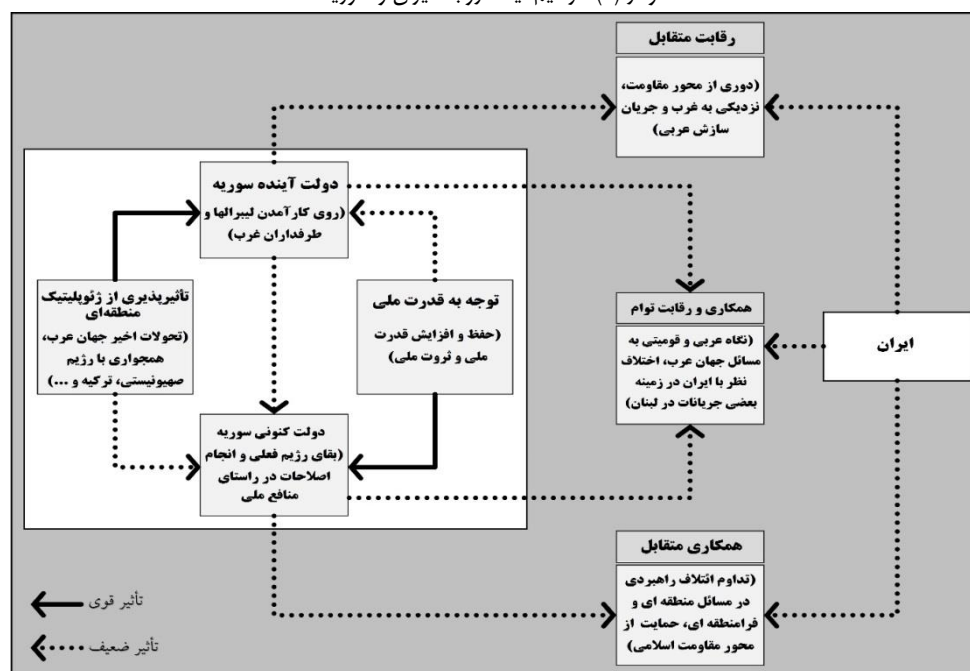
الف- عوامل مربوط به سوریه:

به نظر می‌رسد آینده روابط دو کشور بستگی به گذشت زمان و تأثیرپذیری دولت آینده سوریه از ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بهره‌گیری از تجربیات دولت فعلی در بررسی رابطه با ایران داشته باشد؛ در غیر این صورت به انتخاب اصلح براساس منافع ملی، یعنی تداوم روابط با ایران، البته توأم با شدت و ضعف همانند گذشته ادامه خواهد یافت. در نمودار ۳ ترسیم آینده روابط میان جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه بیان شده است. [48]

این همان تداوم گام‌های برداشته شده طی دهه‌های قبل، یعنی وجود دشمن مشترک علیه ایران و سوریه بود، که این مسئله موجب تداوم روابط مهم و راهبردی دو کشور گردید.

این مقاله، آینده روابط ایران و سوریه و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک منطقه‌ای را مورد بررسی قرار داد، که تجزیه و تحلیل استنباطی یافته‌های تحقیق نشان داد که ترسیم آینده روابط میان ایران و سوریه بدون در نظر گرفتن منافع ملی دو کشور، شرایط و تحولات منطقه‌ای به ویژه تحولات اخیر، متغیرهای متعدد غیرقابل کنترل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تصورات بدبینانه و خوش‌بینانه امکان‌پذیر نیست؛ لذا براساس یافته‌های تحقیق و نمودار تلخیصی زیر

نمودار (۳): ترسیم آینده روابط ایران و سوریه



(منبع: نگارندگان براساس یافته‌های تحقیق)

- University of Central Tehran Branch.
- Al-Zoubi, Khayyam, (2005), "analysis of political relations between Syria and Iran, 2004-1979", [In Persian], master's thesis. Isfahan, Isfahan University.
 - Anonymous, "Green Book of Syria", [In Persian], (Spring 2008), first edition, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Institute for Political and International Studies, Publications Center.
 - Anonymous, "the Israeli attack on Syria and Iran's national resources", [In Persian], (November 2003), Bardasht Aval Journal, Issue XI, Tehran: Centre for Presidential Strategic Studies.
 - Azadeh, Sajad, (Spring 2013), "Big Game in Syria: The domino of Arabic Spring or the victim of return of the balance of power to

تشکر و قدردانی: از خانواده خویش که در این راه مشوقمان بوده و با حمایت‌های بی‌دریغ خود ما را یاری رساندند، تقدیر نموده و آرزوی توفیق روزافزون مسئلت داریم.

تاییدیه‌های اخلاقی، تعارض منافع: "موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است"

سهم نویسندگان و منابع مالی/حمایت‌ها: "موردی توسط نویسندگان گزارش نشده است"

منابع:

- Akhbari, Mohammad, (2006), "The course book of regional political system", [In Persian], graduate degree, Islamic Azad

- Translator: Bahram Mostaqimi and Masoud Tarom Sari, Tehran: Ministry of Foreign Affairs, Institute for Political and International Studies, Publications Center.
- 19-Hosseini, Mokhtar, (Fall 2002), "Iran's foreign relations with the countries of the Middle East during the war", [In Persian], Journal of Negin Iran, the first year, No 2.
 - 20-Huntzinger, Jacques, (2010), "An Introduction to International Relations", [In Persian], translation by Abbas Agahi, Mashhad: Astan Quds Razavi.
 - 21-Ismael, Tareq. Y, (1990), "Arab nationalist left", [In Persian], translation by Abdul Rahman Alam, Tehran: Foreign Ministry Publication.
 - 22-Izadi, Jahanbakhsh and Akbari, Mohammadreza, (Winter 2010), "Estimating the third decade of strategic relations between the Islamic Republic of Iran and Syria; more convergence or divergence", [In Persian], Journal of political, defense and security policy, First Year, Second Issue.
 - 23-Izadi, Jahanbakhsh, (8 Oct 2008), "Report of the quartet summit in Damascus and its impact on regional developments", [In Persian], Tehran: Tehran Institute of Contemporary Abrar International Studies, research department, No. 47/104/87.
 - 24-Jaafari Waladani, Asghar, (June 2009), "challenges and conflicts in the Middle East", [In Persian], first edition, Tehran: publication of the Institute for Strategic Studies.
 - 25-Karami, Jahangir, (2013), "Russia's position in the current structure of the international system and the role of Russia in the recent developments in Syria with a look at the role of Iran", [In Persian], Interviewer: Masoud Fathipour, Taraz Journal, No. 14.
 - 26-Kiai, Mehrdad, (2012), "the Syrian crisis, features and differences", [In Persian], Journal of Events and Analysis, No. 269.
 - 27-Lorot, Pascal and Thual, Francois, (2002), "geopolitical keys", [In Persian], translated by Hassan Sadoughi Vanini, Tehran: Shahid Beheshti University.
 - 28-Minaei Mobtaker, Asghar, (Summer 2007), "Analysis of the Shiite geopolitics (Case study: Lebanon and Syria)", [In Persian], Master's thesis. Islamic Azad University Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Humanities.
 - 29-Muir, Richard, (2000), "New Introduction to geopolitics", [In Persian], translated by Darreh Mir Haydar with the cooperation of the regional order", [In Persian], Journal of Middle East Studies, the twentieth year, the first issue.
 - 6- Azghandi, Ali Reza, (1997), "Iranian Foreign Relations (puppet state 1942-78)", [In Persian], Tehran: Ghomes Publication.
 - 7- Barzegar, Keyhan, (2013), "Arabic Developments, Iran and the Middle East", [In Persian], first edition, Tehran: Center for Scientific Research and Middle East Strategic Studies.
 - 8- Darvishpour, Hojatollah, (1995), "Investigating the phenomenon of nationalism in the Arab world", [In Persian], Tehran: Foreign Ministry Publication.
 - 9- Dehghani Firozabadi, Seyyed Jalal, (February 2004), "international restrictions on Iran's regional hegemony", [In Persian], Diplomatic Citizen Journal.
 - 10-Delavar Pooraghdam, Mostafa and Fardi Pour, Saeid, (2010), "Popular uprisings in the Middle East and security considerations of the Islamic Republic of Iran", [In Persian], Tehran: Majlis Research Center.
 - 11-Ehteshami, Anoushirvan, (1995), "After Khomeini: Iranian Second Republic", London: Routledge Press.
 - 12-Emami, Mohammadali, (1995), "Study of diplomatic relations between Syria and Iraq in the 80s", [In Persian], Tehran: Foreign Ministry Publication.
 - 13-Ezzati, Azzatollah, (1993), "geopolitics", [In Persian], Tehran: Samt Publication.
 - 14-Farzinnia, Ziba, (2012), "China's stance on Syria", [In Persian], Tehran: Centre for Asia Pacific Studies, Journal of Events and Analyses, No. 267.
 - 15-Gholami, Tahmooreth, (2011), "current developments in Syria", [In Persian], Tehran: Institute for International Peace Studies.
 - 16-Hashemi, Mehdi, (2005), "Analysis of Iran's geopolitical situation in regional developments after the September eleventh", [In Persian], Master's thesis. Islamic Azad University Central Tehran Branch, Faculty of Literature and Humanities.
 - 17-Heydariyan, Fatemeh, (2005), "The security strategies of the United States and Europe Union in the Persian Gulf after the Cold War", [In Persian], adapted from a Middle East book special for the Persian Gulf, Tehran: Institute of Contemporary Abrar International Studies and Research.
 - 18-Holsti, Kalevi Jaakko, (2001), "Principles of international politics", [In Persian],

- Etelaat Institute, retrieved on 19 Jan 2014: <<http://www.ettelaat.com/new>>.
- 44-Institute for the Study of War, (December 23, 2015 , February 6, 2019), "The map of the battlefield status in Syria", [In Persian], retrieved on 5 Jan 2015: <<http://www.understandingwar.org/project/syria-project>>.
- 45-Aftab-e Yazd Newspaper (11 November 2008), Tehran: Aftab-e Yazd Institute, retrieved on 6 Oct 2014.
- 46-Al-Arabiya news channel, (16 October 2008), retrieves on 3 Apr.
- 47-Al-hameed, Tareq, (6, September, 2008), "Damascus summit, a meeting in the crisis", [In Persian], al-Sharq al-Awsat newspaper, retrieved in Feb 25, 2014: <<http://www.irdiplomacy.ir/indea.php>>.
- 48-The authors, based on: the research findings.
- Rahim Safavi, Tehran: Armed Forces Geographical Organization.
- 30-Mujtahidzade, Pirouz, (2002), "political geography and geo-politics", [In Persian], Tehran: SAMT Publication.
- 31-Mulaj, Klejda, (2007), "Russia in the Middle East: Friend or Foe?", Gulf Research Center.
- 32-Parvin, Khairallah and Faqfori Bilandi, Mohammad Sadegh, (Winter 2012), "The implementation of the right to self-determination by the states: the case of Syria", [In Persian], Journal of the Islamic Human Rights Studies, the first year, No 2.
- 33-Qanoon, Morteza, (2002), "hidden diplomacy (Essay on the relations between Iran and Israel during the Pahlavi era)", [In Persian], Tehran: Tabarestan.
- 34-Rahimpour, Ali, (2002), "geo-strategic developments in the twenty-first century and the positon of the region and Iran", [In Persian], political and economic information Journal, Issue III and IV.
- 35-Rajabi, Sohail, (Winter 2012), "Analysis of the Strategic position and role of Syria in regional and international relations with an eye to recent developments in Syria", [In Persian], Journal of 15th Khordad, Volume III, Issue 34.
- 36-Râşnov, Nabi Allah, (Spring 2013), "geopolitical approaches and interests in the developments of the Middle East and North Africa", [In Persian], Journal of geopolitics, the ninth year, the first issue.
- 37-Sani, Reza, (2000), "An Iran that could say No", [In Persian], Tehran: Institute of contemporary science and thought.
- 38-Shoaib, Bahman, (Spring 2012), "Russia and Arabic Spring, challenges and consequences", [In Persian], Journal of Central Asia and the Caucasus, No. 77.
- 39-Yeger, Werner, (1997), "Payda", [In Persian], Volume I, translated by Mohammad Hossein Lotfi, Tehran: Khwarizmi.
- 40-Sattar, David, (2012), "Russia and Syria", foreign Policy research institute
- 41-Zaaferani, Qabs, (February 2012), "Evaluation of Iran's foreign policy in the Middle East", [In Persian], Retrieved on 14 Jan 2014.
- 42-Rasi, Ali, (February 2013), "geopolitical and geo-strategic position of Iran in the region", [In Persian], Retrieved on 10. Jan.2014: <<http://iranbazgoo.persianblog.ir>>.
- 43-Etelaat Newspaper (14 Feb 1979), Tehran: